**باسمه تعالی**

**سه شنبه : 17/12/1395**

درس خارج اصول الفقه استاد سید محمد جواد شبیری

خلاصه مباحث

بحث در اصاله عدم تذکیه بود. شهید صدر; چهار صورت را در شک حلیت لحم تصویر کردند. گاه شک به علت شک در حلال گوشت بودن حیوان بوده و از لحاظ ایجاد تذکیه شکی در آن وجود ندارد. بحث از این صورت در جلسات سابق بیان شد. صورت دوم آن است که شک در حلیت ناشی از شک در قابلیت حیوان برای تذکیه است. صورت سوم شک در حلیت ناشی از شک در وجود مانع از تذکیه و صورت چهارم منشأ شک، شک در وقوع خارجی تذکیه بر حیوان است.

**کلام شهید صدر; در شبهه قابلیت تذکیه حیوان**

شهید صدر بحث از حکم صورت دوم را مبتنی بر بحث از دو مسأله می داند. آیا تذکیه امر بسیط است یا مرکب؟ و آیا موضوع حکم حرمت، عدم تذکیه بما هو مضاف الی الحیوان است؟ در نتیجه عدم تذکیه حیوان زنده نیز موضوعیت برای حرمت دارد یا عدم تذکیه بما هو مضاف الی زاهق الروح موضوع حرمت است؟

شهید صدر[[1]](#footnote-1) در مقام بیان تفاوت بین دو احتمال در موضوع حکم حرمت، تفاوت بین این دو مبنا در جریان استصحاب دانسته و این گونه فرمود که اگر زاهق الروح موضوع حرمت باشد، اجرای استصحاب عدم تذکیه مبتنی بر استصحاب عدم ازلی است زیرا مفروض آن است که از زمانی که زاهق الروح شده است، در تذکیه و عدم تذکیه حیوان شک داریم اما در صورت دوم جریان استصحاب مبتنی بر استصحاب عدم ازلی نیست زیرا این حیوان در حال حیات نیز با عدم تذکیه موضوع حکم به حرمت بوده است.

**نبود تفاوت بین دو فرض موضوع حرمت**

بیان شد به نظر ما تفاوتی بین این دو مبنا وجود نداشته و مطابق هر دو، استصحاب بدون ابتنا بر استصحاب عدم ازلی، جاری است زیرا در هر دو فرض می توان با اشاره به حیوان موجود در خارج، استصحاب را جاری دانست و مشکلی در جریان استصحاب نیست. بله بین این دو فرض تفاوت وجود داشته و در جایی که عدم تذکیه مضاف به حیوان موضوع حرمت باشد، مستصحب در زمان یقین موضوع حرمت بوده اما در صورتی که موضوع حکم به حرمت عدم تذکیه مضاف به حیوان زاهق الروح باشد، در زمان یقین موضوع حرمت نیست. ولی بیان شد این موجب تفاوت در جریان استصحاب نیست بلکه وجود اثر در زمان شک در جریان استصحاب، کفایت می کند. مثلا زید روز پنج شنبه عادل بوده و عدالت او در این روز هیچ اثری نداشته است

اما در رزو شنبه که می خواهد شهادت بدهد، عدالت او تأثیر گذار است. در این فرض می توان استصحاب را جاری کرد هر چند در روز پنج شنبه هیچ اثری برای مستصحب وجود نداشته است.

شهید صدر; در ادامه، شقوق دیگری را مطرح می کنند اما وارد بحث در تمام کلام ایشان نشده و تنها به چکیده فرمایشات ایشان و نکات کلیدی آن، اشاره می کنیم.

**تفصیل شهید صدر; بین مرکّب یا بسیط بودن تذکیه**

شهید صدر در شک در قبول تذکیه حیوان، بین امر بسیط و امر مرکب تفصیل قائل شده و در امر بسیط، بحث استصحاب عدم تذکیه را مطرح کرده اما بازگشت مرکب بودن تذکیه را به شک در خصوصیت حیوان مذکّی دانسته و این که مطلق ذبح در هر حیوانی، تذکیه نیست. در این صورت شک در قابلیت حیوان برای تذکیه به معنای شک در خصوصیت دخیل در تذکیه است.

ایشان در شبهه حکمیه که مثلا نمی دانیم خصوصیت تذکیه اهلیت است در مقابل وحشیت تا خیل و اسب قابل تذکیه باشد، یا خصوصیت تذکیه غنمیت است تا خیل با نبود این خصوصیت، قابل تذکیه نباشد، استصحاب عدم وجود خصوصیّت را جاری نمی دانند زیرا اگر خصوصیت غنیمه موضوع تذکیه باشد، یقین به عدم وجود خصوصیت داریم و اگر خصوصیت اهلیت باشد، یقین به وجود خصوصیت در حیوان داریم و چون عنوان خصوصیت به نحو کلی موضوع اثر نیست، استصحاب عدم خصوصیت جریان ندارد.[[2]](#footnote-2)

**اشکال جریان استصحاب در شبهات حکمیه مفهومیه**

این اشکال در تمام شبهات حکمیه مفهومیه وجود دارد. مثلا اگر گفته شود: اکرم العالم و نمی دانیم مطلق عالم موضوع حکم است یا عالم فقیه، آیا در این موارد استصحاب عدم عالمیت در شخصی که عالم به غیر فقه است، جریان دارد؟ در پاسخ گفته شده، عالمیت به معنای فقیه بودن قطعی منتفی است و عالم به معنای مطلق عالم، قطعا بر این شخص صادق است و عنوان عالم نیز خصوصیت ندارد تا بتوان در آن استصحاب قائل شد. به نظر می رسد، این اشکال صحیح بوده و در موارد شک به نحو شبهه مفهومیه حکمیه، استصحاب جریان ندارد.

**جریان استصحاب عدم خصوصیت در شبهه موضوعیه**

شهید صدر; در فرض شبهه موضوعیه بیان کرده است، استصحاب عدم خصوصیت به نحو عدم ازلی جاری است. مثلا اگر بدانیم خصوصیت معتبر در حکم به حلیت، غنمیت است و شک داشته باشیم لحم موجود، لحم گوسفند است یا لحم حیوانی دیگر، استصحاب عدم غنم بودن حیوان جریان دارد زیرا حیوان پیش از ایجاد

خصوصیت غنمیت را نداشته و بعد از خلق شدن، شک در خصوصیت غنمیت داریم و استصحاب عدم ازلی غنمیت را جریان می دهیم.

جریان استصحاب عدم ازلی در این فرض، مبتنی بر وجود فرق یا عدم آن بین خصوصیات ذاتیه و عرضیه و هم چنین ذاتی یا عرضی دانستن این خصوصیت در فرض تفاوت است. اما به نظر ما که استصحاب عدم ازلی جریان ندارد، استصحاب عدم خصوصیت در شبهه موضوعیه نیز جاری نیست.

**جریان استصحاب عدم تذکیه**

در این موارد با فرض عدم جریان استصحاب عدم خصوصیت، می توان استصحاب عدم تذکیه که در حقیقت مسبّب از عدم خصوصیت است را جاری دانست به این بیان که حیوان در حال حیات، مذکّی نبود و بعد از مرگ نیز حکم به بقای عدم تذکیه می کنیم. البته همان مباحثی که در جلسات سابق بیان شد در کلی بودن این استصحاب وجود داشته و به نظر در این فرض، استصحاب از نوع کلی قسم ثانی است زیرا عدم تذکیه در حال حیات یا به علت عدم صلاحیت حیوان برای تذکیه بوده که بعد از ذبح نیز عدم صلاحیت باقی است یا به جهت عدم اجرای عملیات ذبح بوده که بعد از ذبح، عدم تذکیه منتفی است. پس عدم تذکیه مردّد بین فرد قصیر و طویل بوده و از نوع استصحاب کلی قسم ثانی است.

باید دقت داشت، تذکیه به معنای اجرای عملیات ذبح بر حیوان قابل تذکیه است و تذکیه با قابلیت حیوان، موضوع اثر است. به همین علت عدم جریان عملیات ذبح در حال حیات، در فرضی که حیوان خصوصیت و صلاحیت تذکیه ندارد، موضوع اثر نبوده و سبب آن نیست استصحاب کلی قسم ثالث باشد. بله در صورتی که عدم تذکیه را تنها اجرا نشدن عملیات تذکیه بدانیم و خصوصیت در حیوان را در تذکیه مؤثر ندانیم، استصحاب کلی قسم ثالث است. به همین علت بحث از آنکه اثر متعلق به صرف الوجود است یا مطلق الوجود موضوع اثر است، در این موارد جریان دارد.

نکته دیگری که باید بیان شود، جریان این مباحث در شبهه حکمیه است. به این معنا که در جایی که شک به نحو شبهه حکمیه باشد، بحث از جریان استصحاب عدم تذکیه وجود دارد و تفاوت عمده ای در استصحاب عدم تذکیه بین شبهه حکمیه و موضوعیه نیست.

در جلسات سابق و در بررسی فرض اول بیان شد، حرمت در حال حیات حیوان تنها به ملاک عدم تذکیه عرفیه و اخراج دم بوده و بعد از تذکیه و اخراج دم قطعا این حرمت منتفی است و حرمت از باب عدم تذکیه شرعیه نیز حالت سابقه ندارد تا جریان داشته باشد. در همان مباحث بیان شد، این اشکال در استصحاب عدم تذکیه شرعیه وجود ندارد زیرا هر چند عدم تذکیه شرعیه در حال حیات موضوع اثر نبوده و موجب حرمت نیست اما چنین حالت سابقه ای وجود دارد و می توان با استصحاب، عدم تذکیه شرعیه را به بعد از زهاق روح تسرّی داد و همین که استصحاب در فرض شک، اثر داشته باشد در جریان استصحاب کفایت می کند.

**خلاصه اشکال به شهید صدر**

به نظر می رسد، هر چند بحث از کلی قسم ثانی یا ثالث بودن استصحاب عدم تذکیه و اثر داشتن صرف الوجود یا مطلق الوجود، لازم است اما به هر حال این استصحاب از نوع استصحاب عدم محمولی است نه عدم ازلی و با اشاره به حیوان خارجی می توان گفت این حیوان در حال حیات، تذکیه شرعیه نداشت و بعد از مرگ نیز تذکیه شرعیه ندارد. در جریان استصحاب نیز اثر دار بودن در زمان یقین لازم نیست و صرف وجود اثر برای استصحاب در فرض شک کفایت می کند.

**کلام محقق عراقی در بحث**

شهید صدر در ادامه با طرح کلام محقق اصفهانی و محقق عراقی، هر دو کلام را مورد بررسی قرار می دهد. ما به علت تفاوت های جدی در مبانی، کلام محقق اصفهانی را نقل نمی کنیم اما اشاره ای اجمالی به کلام محقق عراقی داریم.

**سخن شهید صدر در بررسی کلام محقق عراقی**

شهید صدر[[3]](#footnote-3) پس از پذیرش اصل کلام محقق عراقی در ناحیه ایجابی، بیان کرده؛ چه شک در قابلیت تذکیه از نوع شبهه حکمیه باشد چه از نوع شبهه موضوعیه، بحث از استصحاب عدم تذکیه مبتنی بر مرکّب یا بسیط بودن تذکیه است.

اگر تذکیه مرکّب از فری اوداج اربعه و قابلیت تذکیه باشد، استصحاب جریان ندارد زیرا قابلیت حیوان امری ذاتی است و حالت سابقه ندارد تا استصحاب جریان داشته باشد. استصحاب عدم ازلی نیز در ذاتی جریان نداشته و حتی نمی توان قائل به جریان استصحاب عدم ازلی شد.

اگر تذکیه امر بسیط باشد، در صورتی که عدم تذکیه بما انها مضافه الی زاهق الروح، موضوع حرمت باشد، استصحاب عدم تذکیه از سنخ عدم ازلی است و در صورتی که عدم تذکیه بما انها مضافه الی مطلق الحیوان موضوع حرمت باشد، جریان استصحاب مبتنی بر استصحاب عدم ازلی نیست.

شهید صدر; جانب سلبی کلام محقق عراقی را موضوعا و محمولا نیازمند بررسی داشته و بیان می کنند: محقق عراقی بیان کرده اگر تذکیه امری مرکب از عملیه ذبح و قابلیت تذکیه باشد، استصحاب عدم قابلیت جریان ندارد، اما به نظر قابلیت قابل اخذ در حیوان نبوده و باید مراد از قابلیت، خصوصیت باشد.

شهید صدر در ادامه بیان می کند؛ در فرض شبهه حکمیه و لو استصحاب عدم ازلی را جاری بدانیم، استصحاب جریان ندارد زیرا خصوصیت مردّد بین مقطوع الثبوت و مقطوع الانتفاست و عدم جریان استصحاب

ارتباطی به مبنای استصحاب عدم ازلی ندارد. اما در فرض شبهه موضوعیه، جریان استصحاب مبتنی بر استصحاب عدم ازلی است.[[4]](#footnote-4)

**بررسی اشکالات شهید صدر; به محقق عراقی**

همانگونه که بیان شد، تفصیل بین مرکّب یا بسیط بودن موضوع حکم صحیح نبوده و جریان استصحاب در هر دو صورت، عدم ازلی نیست در نتیجه تفصیل شهید صدر در ناحیه ایجابی وارد صحیح نیست.

در ناحیه سلبی، کلام شهید صدر در فرض شبهه حکمیه صحیح بوده و استصحاب حتی بر مبنای عدم ازلی جاری نیست و در شبهه موضوعیه جریان استصحاب، مبتنی بر جریان استصحاب عدم ازلی است. به نظر ما که استصحاب عدم ازلی را جاری نمی دانیم، استصحاب عدم خصوصیت جریان نداشته اما استصحاب عدم تذکیه جاری است و تفاوتی بین بسیط یا مرکّب بودن نیست.

**صورت سوم شک در حلیت**

فرض سوم شک در حلیت حیوان، شک در وجود مانع از تذکیه به صورت شبهه حکمیه یا موضوعیه بود. مثلا شک داشته باشیم، جلل در حیوان محقّق شده تا مانع از تذکیه باشد؟

شهید صدر; با بحثی فقهی در این زمینه، مفاد روایات را بحث کرده اند که آیا از روایات خاص جریان استصحاب عدم تذکیه یا عدم آن، قابل استفاده است؟

در جلسه آینده کلام شهید صدر و مباحث فقهی در این زمینه، بررسی خواهد شد.

**و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد**

1. مباحث الأصول، ج‏3، ص: 466 [↑](#footnote-ref-1)
2. مباحث الأصول، ج‏3، ص: 468 [↑](#footnote-ref-2)
3. مباحث الأصول، ج‏3، ص: 472 [↑](#footnote-ref-3)
4. مباحث الأصول، ج‏3، ص: 473 [↑](#footnote-ref-4)